



اجرای سیستم عدالت ترمیمی در دادرسی نظامی ایران و مطالعه تطبیقی با حقوق انگلستان

عباس زارع بیدسدرده^۱، محمدرضا شادمان فر^۲، علی یوسف زاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۰۲

چکیده

از حدود سه دهه اخیر شیوه عدالت ترمیمی به عنوان راه حل منازعات ناشی از ارتکاب جرم و ترمیم صدمات و خسارات وارده بر بزه دیده، از جمله یکی از دستاوردهای بزه دیده شناسی و جنبش‌های اجتماعی در حوزه جرم شناسی پذیرفته شده است. مزیت این شیوه نسبت به شیوه‌های سنتی عدالت کیفری مانند «عدالت سزادهی» و «عدالت بازپروری»، این است که «عدالت ترمیمی» تلاش می‌کند به ایجاد سازش و آشتی بین بزه دیده و خانواده او از یک طرف و بزه‌کار از طرف دیگر بپردازد و ضمن تأمین حقوق بزه دیده، بین طرفین قضیه زمینه صلح پایدار را فراهم کند. امروزه پرونده‌های متعددی در محاکم نظامی در حال رسیدگی است، که بعضاً در برخی موارد مدت مدیدی به طول انجامیده که مقصود اصلی قانونگذار برآورده نمی‌شود. به نظر می‌رسد با توجه به رویه‌های موجود در نهاد عدالت ترمیمی و برنامه‌های ویژه عدالت ترمیمی، به ویژه میانجیگری، می‌توان در بحث دادرسی نظامی در جبران خسارت‌های وارده کمک خوبی نمود و قبل از ورود به دادگاه با استفاده از روش‌های عدالت ترمیمی می‌توان بین بزه‌کار و زیان دیده صلح و سازش ایجاد نمود. اگرچه به نظر می‌رسد مقررات لازم جهت اجرای سیستم عدالت ترمیمی در دادرسی نظامی وضع نشده است که همین مسئله سبب ایجاد چالش‌های مختلفی فراروی اجرای سیستم عدالت ترمیمی باشد.

واژگان کلیدی: عدالت ترمیمی، دادرسی نظامی، میانجی‌گری، جبران خسارت، جلسه گفتگوی خانوادگی.

^۱ - دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) اصفهان، ایران

^۲ - استادیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ - استادیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) اصفهان، ایران

مقدمه

پس از گذشت مدت زمانی انتقادهای بسیاری بر عدالت کیفری سزادهنده و عدالت کیفری مبتنی بر اصلاح و درمان وارد شده و در سایه ظهور رویکردهای جدید بستری فراهم شده است که دیدگاهی جامع نسبت به منافع بزه دیده، بزه‌کار و جامعه ظهور کند و هر کس ایفاگر نقشی باشد که شایسته جایگاه وی در نظام عدالت است. دیدگاه یاد شده که به نام عدالت ظهور کند و هر کس ایفاگر نقشی باشد که شایسته جایگاه وی در نظام عدالت است. دیدگاه یاد شده که به نام عدالت ترمیمی معروف شده است در مقام محدود کردن قلمرو نظام عدالت کیفری و مشارکت دادن جامعه‌ی مدنی به روش‌های مختلف نسبت به بزهکاری است. (سماواتی پیروز، ۱۳۸۵: ۱۶)

جلوه‌های عدالت ترمیمی عبارتند از: میانجی‌گری؛ جلسه‌های گروهی خانوادگی و هیات‌های بزه دیده بزه‌کار.

در کشور ایران قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ و قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات بعدی) از مهمترین قوانینی هستند که در قلمرو وظایف خاص نظامیان به تصویب رسیده است. قانونگذار در ماده ۸۲ قانون اخیر الذکر مقرر داشته: «در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا موسسه‌ای برای میانجی‌گری ارجاع دهد. در ماده ۸۴ از همان قانون چگونگی ترتیب میانجی‌گری و شخص یا اشخاص که برای میانجی‌گری انتخاب می‌شوند موضوع این قانون را به موجب آئین‌نامه‌ای دانسته که پس از تأیید رئیس قوه قضاییه به تصویب هیات وزیران می‌باشد. این آئین‌نامه نظر به اینکه آئین دادرسی به جرائم نیروهای مسلح بخشی از آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است. بنابراین ماده ۸۲ و ۸۴ به جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت تسری دارد.

نکته قابل توجه آن است که رسیدگی به کلیه جرائم حین خدمت نظامیان در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح است. بر اساس تبصره یک ماده ۵۹۷ قانون

اجرای سیستم عدالت ترمیمی در دادرسی نظامی ایران و مطالعه تطبیقی با حقوق انگلستان... ۳۱۷

آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ رسیدگی به جرائمی که امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری اجازه فرموده‌اند در دادگاه و دادرهای سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی شود، مادامی که از آن عدول نشده در صلاحیت این سازمان است از جمله این موارد، رسیدگی به کلیه جرائم نظامیان حین خدمت و همچنین رسیدگی به کلیه جرائم کارکنان وزارت اطلاعات می‌توان اشاره نمود. با این توصیف حتی اگر ماموری حین خدمت به شخصی توهین نماید یا مرتکب تهدید گردید در صلاحیت سازمان قضایی است. همچنین جرائمی از قبیل بند خدمت به شخصی توهین نماید یا مرتکب تهدید گردید در صلاحیت سازمان قضایی است. همچنین جرائمی از قبیل بند ج ماده ۷۸ (تنظیم گزارش خلاف واقع)، ماده ۴۱ تیراندازی عمدی بر خلاف مقررات و ضوابط حین خدمت یا مأموریت، ماده ۴۷ ایراد ضرب و جرح نسبت به مافوق حین خدمت یا در ارتباط با خدمت چنانچه مستلزم پرداخت دیه یا قصاص باشد، اهانت به مافوق حین خدمت یا در ارتباط با آن موضوع ماده ۴۸ قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ قابل ارجاع به میانجی‌گری از طریق مقام قضایی است.

کشور انگلستان که مبتنی بر نظام کامن‌لا می‌باشد، به تازگی تحولات و تغییرات بسیاری را در بخش حقوق نظامی آن سیستم ایجاد نموده است. قانون نیروهای مسلح مصوب ۲۰۰۶ یکی از قوانین مجلس کشور انگلستان است که در تاریخ هشتم نوامبر ۲۰۰۶ به توشیح مقام سلطنت رسید و از تاریخ سی و یکم اکتبر ۲۰۰۹ لازم‌الاجرا شده این قانون در واقع جایگزین سه قانون سابق می‌باشد و همه آنها را با هم آمیخته است. انگلستان از اواخر سال ۱۹۸۰ شاهد اولین تجربه‌های اعمال سیاست‌های عدالت ترمیمی در نظام عدالت کیفری خویش بوده است. سابقه اعمال این سیاست‌ها به شروع فعالیت طراحی موسوم به «طرح جبران خسارت در ایالت «دون» بر می‌گردد که تشویق اعمال شیوه‌های باز اجتماعی کردن بزهکاران جوان و برگرداندن دوباره آنها به صحنه جامعه از طریق اتخاذ روش‌هایی بود که در آنها به صحنه جامعه از طریق اتخاذ روش‌هایی بود که در آنها خطاهای بزهکار اصلاح شده و آثار آن ترمیم شود و منافع جامعه و بزهکار به بهترین وجهی تضمین می‌شود. این برنامه‌ها در مناطق دیگر انگلستان مانند «نورث هامپتون» و «سندول» از اوایل سال ۱۹۸۰ تجربه شد و با

^۱ - The armed Forces Act

۳۱۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

گسترش حوزه فعالیت این برنامه‌ها تعداد برنامه‌ها به ۱۴ برنامه میانجی‌گری و طرح جبران خسارت بزهکار رسید. (عباسی، ۱۳۸۲: ۲۶۳).

هم‌اکنون از لحاظ ساختاری، در این کشور مدل میانجی‌گری بزهکار و بزه دیده بسیار قابل انعطاف است و در هر مرحله‌ای از دادرسی کیفری قابل اعمال است: میانجی‌گری کیفری قبل از اخطار پلیس، همراه با اخطار، پس از محکومیت، قبل از اعمال مجازات، بعد از آزادی از زندان امکانپذیر است و احاله توسط مقامات پلیس و مقامات مجری تعلیق مراقبتی امکانپذیر است. (عباسی، ۱۳۸۲: ۲۶۴).

در مناطق مختلف انگلستان در سطح کلی مؤسسات و سازمان‌های متعددی در زمینه میانجی‌گری فعالیت دارند. در کشور انگلستان، در عمل، قاعده قانونی بودن تعقیب همانند سایر کشورهای اروپایی نظیر فرانسه وجود ندارد و بنابراین توسل یا میانجی‌گری در مرحله پلیسی امکان دارد و به عبارت دیگر پلیس می‌تواند در تعقیب جرائم به دادن یک اخطار بسنده کند و یا اینکه پرونده را به سرویس‌های میانجی‌گری که اغلب به روش میانجی‌گری غیرمستقیم است، احاله نماید و یا اینکه پرونده جریان تعقیب کیفری را به طور طی طبیعی کند. احاله پرونده به میانجی‌گری از طریق مقامات پلیس و یا دادن اخطار در واقع یک شکل واقعی از قضاودایی و تغییر مسیر دادرسی را در سیستم انگلستان ترسیم می‌کند. (عباسی، ۱۳۸۲: ۲۶۵).

همانگونه که گفته شد میانجی‌گری ممکن است بعد از دادرسی کیفری نیز اتفاق بیفتد. در این مورد ممکن است پرونده از طرف دادستان یا از طرف دادگاه‌های صلح به سرویس‌های میانجی‌گری احاله شود. در صورت بدست آوردن نتایج نامتناسب و منفی در میانجی‌گری این حق برای مقامات ذکر شده باقی می‌ماند که فرایند میانجی‌گری را متوقف کرده و پرونده را به مسیر اصلی خویش باز گردانند. بعد از محکومیت و قبل از اعمال مجازات هم امکان توسل به میانجی‌گری وجود دارد که از لحاظ آماری این شیوه و عمل، معمولی‌تر و مرسوم‌تر است چرا که معمولاً بزهکار در این مرحله از مراحل دادرسی به خطا و اشتباه خویش قرار کرده و حاضر به پذیرش مسئولیت در قبال بزه دیده می‌شود بنابراین شرایط اعمال یک میانجی‌گری مؤثر و مفید فراهم است. همانطور که می‌داشتیم در کشور انگلستان جرائم از حیث آیین دادرسی کیفری به جرائم اختصاری^۱ و جرائم توام با کیفر خواست^۲ و جرائم واجد هر دو جنبه^۱ تقسیم

^۱ - summary offences

^۲ - indictable offences

اجرای سیستم عدالت ترمیمی در دادرسی نظامی ایران و مطالعه تطبیقی با حقوق انگلستان... ۳۱۹

بندی می‌شود، جرائم اختصاری در دادگاه‌های پایین‌تر (دادگاه‌های صلح) رسیدگی می‌شوند و باقی جرائم که شامل جرائم مهم نظیر قتل، سرقت مسلحانه، تجاوز به عنف و جرائم خشونت بار، توأم با کیفرخواست دادستان و همراه با حضور هیات منصفه رسیدگی می‌شوند. طبق آمارهای اشاره شده نود درصد تمام پرونده‌های کیفری به وسیله رسیدگی اختصاری خاتمه پیدا می‌کنند، با ذکر این پیش فرض وجود چنین آمار گسترده‌ای از نیاز به صرف هزینه‌ها و زمان زیادی داد دادرسی‌های کیفری این کشور حکایت دارد که این خود یک مبنا و روش و پیش زمینه خوبی برای متوسل شدن به شیوه‌های قضازدایی مانند احاله به میانجی‌گری و توسل به اخطار مراجع پلیس و یا توسل به معامله اتهام و مجازات بین بزهکار و مقامات تعقیب و دادگاه می‌شود (زارع، ۱۳۹۹: ۴).

تحقیق حاضر قصد داشته با نگاهی تطبیقی به اجرای سیستم عدالت ترمیمی در دادرسی نظامی در ایران و حقوق انگلستان بپردازد.

مفهوم عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی، ساختاری فلسفی است که کانون دیگری از اندیشه و تفکر نسبت به جرم و عدالت کیفری را عرضه می‌کند. عدالت ترمیمی روش جدید اندیشیدن هم درباره جرم و هم درباره چگونگی پاسخ (واکنش) به آن است. در خصوص تعریف فرآیندهای عدالت ترمیمی هیچ اتفاق نظری وجود ندارد. برخی از تعاریف صرفاً ناظر به اهداف و فرآیندهای عدالت ترمیمی‌اند: «فرایندها و روش‌های ترمیمی ... باید احساس عضویت «در اجتماع» و رضایت از فرایندها و روش عدالت ترمیمی را در بزهکاران و بزه دیدگان تقویت نمایند. این فرایندها و روش‌ها باید موجب ایجاد احساس بهتر بزه دیده در نتیجه مشارکت در فرایند عدالت ترمیمی، و پاسخگو نمودن بزهکاران به روشی مفید و معنادار از طریق تشویق آنها به جبران ضرر و زیانهای بزه دیدگان شوند».

«هوارد زهر» با تأکید بر کارکرد عدالت ترمیمی آن را این گونه تعریف می‌کند: «عدالت ترمیمی فرایندی است برای درگیر نمودن کسانی که سهمی در یک جرم خاص دارند تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان‌ها و تعهدات جهت

^۱ - offences that can tried summary or indictment

۳۲۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

التیام و بهبود بخشیدن و راست گردانیدن امور به اندازه‌ای که امکان پذیر است اقدام نمایند»(غلامی، ۱۳۹۰: ۸).

عدالت ترمیمی، نوعی از عدالت (راجع به امور کیفری) مبتنی بر «جبران» است، به این معنا که در اجرای آن باید تلاش شود، آثار وخامت بار جرم و ضرر و زیان‌های ناشی از آن، خواه به صورت کامل یا به گونه‌ای نمادین، ترمیم شود. مارشال تأکید می‌کند که باید به بزهکار فرصتی جهت ترمیم آنچه در نتیجه ارتکاب جرم آر بین برده است داده شود تا در مرحله اول نسبت به جبران زیان بزه دیده اقدام کند، صرف نظر از اینکه بزه ارتكابی چرا و چگونه به وقوع پیوسته است. همچنین وی استدلال می‌کند که در فرایند اجرای عدالت در امور کیفری بیشترین تأکید باید بر جبران زیان از طرف بزهکار باشد. در این راستا صرف نظر از پرداخت خسارت «جبران» ممکن است شامل مشارکت داوطلبانه بزهکار در مشاوره، درمان یا آموزش نیز باشد (غلامی، ۱۳۹۰: ۹).

براین اساس، جبران ضرر و زیان کسانی که در نتیجه وقوع جرم متضرر شده‌اند موضوع اساسی عدالت ترمیمی است. هدف کلیه فرایندهای عدالت ترمیمی نیز بهبود و التیام بخشیدن به همه افراد و از جمله بزه دیده و حتی خود بزهکار است. البته مهم‌ترین هدف در این زمینه، «زهر» خاطر نشان می‌کند: اجتماع، گروه‌هایی مرتبط موجود در جامعه، نیز در نتیجه ارتکاب جرم احساس تعرض و تجاوز می‌کنند و در نتیجه نیازمند جبران‌اند. از آنجا که نمی‌توان جنبه عمومی جرم را نادیده گرفت فرایند عدالت کیفری راجع به بسیاری از قضایا و موضوعات مجرمانه نمی‌تواند کاملاً خصوصی، ناظر به بزه دیده باشد. جرم موجب به مخاطره افتادن احساس امنیت در اجتماع است. برای یک اجتماع، «جبران» اغلب مستلزم انجام برخی انواع رفتارهای نمادین است که شامل عناصری از قبیل تقبیح عمل مجرمانه، استیفای حقوق، ایجاد اطمینان و اعتماد مجدد در جامعه و پرداخت خسارت می‌شود. سوزان شارپ کانادایی در تعریف عدالت ترمیمی به پنج ویژگی عدالت ترمیمی به ترتیب زیر اشاره می‌کند:

مطابق ویژگی اول، عدالت ترمیمی دعوتی است به مشارکتی کامل، اتفاق نظر و اجماع. این بدان معناست که بزهکاران، بزه‌دیدگان و جامعه محلی در اجرای عدالت درگیر می‌شوند. به عبارت دیگر، در اجرای عدالت ترمیمی تنها فرد یا یک نهاد به نام قاضی یا دستگاه عدالت کیفری سلطه منحصر به فرد ندارد.

ویژگی دوم این تعریف آن است که بر اساس آن عدالت ترمیمی درصدد است آنچه را که نقض شده است بهبود بخشد. پرسش محوری، در هر فرآیند عدالت ترمیمی این

اجرای سیستم عدالت ترمیمی در دادرسی نظامی ایران و مطالعه تطبیقی با حقوق انگلستان... ۳۲۱

است که «بزه دیده» چه چیزی نیازمند است تا بهبود یابد و احساس آرامش و امنیت مجدد کند؟ بزهکاران نیز ممکن است بخواهند جهت بهبود شرایط اقدام کنند. آن‌ها ممکن است برای ترمیم و بازسازی آنچه در نتیجه ارتکاب جرم از بین رفته است نیازمند فرصتی باشند.

سومین ویژگی این تعریف تلاش برای ایجاد احساس پاسخگویی کامل و مستقیم در فرآیند اجرای عدالت ترمیمی است. پاسخگویی به این معنی نیست که بزهکاران باید با واقعه‌ای که منجر به نقض قانون شده است رو به رو شوند و احساس دین اخلاقی کنند یا نتایج آن را تحمل نمود. به اصطلاح مجازات شده، یا مشمول واکنشهای دیگر دولتی گردند، بلکه پاسخگویی آن‌ها می‌تواند از طرق دیگر از جمله جبران صدمات و زیانهای وارده بر بزه دیده در جامعه محلی و اجتماع محقق شود.

چهارمین ویژگی این تعریف تلاش برای بازگرداندن وحدت و هماهنگی به آن چیزی است که در نتیجه ارتکاب جرم گسسته شده است. اگر فرض بر این باشد که کلیه اعضای جامعه با یکدیگر ارتباطی درونی دارند و به عبارت دیگر دارای روابط میان فردی‌اند، در این صورت جرم عملی است که منجر به گسست چنین رابطه‌ای می‌شود. عدالت ترمیمی در جستجوی آن است که این رابطه را دوباره حیات بخشیده، تجدید کند.

ویژگی پنجم این تعریف، تأکید بر هدف عدالت ترمیمی جهت تقویت اجتماع برای پیشگیری از جرم در آینده است. جرم سبب ایجاد صدمه و ضرر و زیان شده و نیز آشکار کننده شرایط ناعادلانه قبل از آن است. این وضعیت می‌تواند منجر به ایجاد کشمکش و درگیری طولانی میان بزهکار و بزه دیده شود، به نحوی که رفتار مجرمانه در آنها آشکار گردد. این شرایط ممکن است ناشی از وضعیت ساختاری اقتصادی، فرهنگی، نژادی، سیاسی و امثال اینها باشد. عدالت ترمیمی در جستجوی راههای برای ترمیم وضعیتهای جرم زای موجود و پیشگیری از جرم است. (رهامی، ۱۳۸۵: ۱۵۳)

پذیرش پاسخ ترمیمی به جرم متضمن تبیین مبانی نظری ضرورت مشارکت کلیه ارکان اجتماع و از جمله بزه دیده و حتی بزهکار است. در این زمینه «برایت ویت» تأکید می‌کند: تا زمانی که اجتماع اصولاً بر این اعتقاد است که «متخصصان» می‌توانند از طرق علمی راه‌های مشکل بزهکاری را پیدا کنند، این نظر وجود دارد که شهروندان از مشارکت در برنامه‌ها و اقدامات پیشگیرانه‌ای که توسط خود آنها انجام شدنی است خودداری کنند. با این تلقی، وقتی من شاهد ارتکاب جرمی هستم یا می‌بینم که مسایه

۳۲۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

کنار من در حال نقض قانون است، من فقط باید به کار خود برسم زیرا افراد دیگری هستند که به عنوان پلیس وظیفه برخورد با این مشکل را دارند. او پیشنهاد می‌کند: جرم زمانی بهتر کنترل می‌شود که اعضای اجتماع از طریق مشارکت در تقبیح بزهکار و ایجاد شرمساری در وی با تشریک مساعی منسجم و در ضمن بازپذیری بزهکار در اجتماع جهت تبدیل وی به شهروندی مطیع قانون، اولین نقش را ایفا کنند. در جوامعی نرخ بزهکاری اندک است که مردم فقط در اندیشه شغل و حرفه خود نیستند و انعطاف در مقابل انحرافات محدوده‌ای تعریف شده دارد و اجتماع تلاش می‌کند تا مشکل بزهکاری خود را به دست خود حل کند نه به دست پلیس و مراجع حرفه‌ای. (سمیعی و نقدی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۹۸)

نقش قانون در صورت فقدان مشارکت اجتماعی، صرفاً ناظر به فرآیندهای اعمال مجازات و به صورتی بی معنا خواهد بود، مگر آنکه با مشارکت اجتماعی، چنین نقشی واجد وصف اخلاقی شده، در حل مشکل جرم به مراجع ذی صلاح کمک کند.

اجرای سیستم عدالت ترمیمی در دادرسی نظامی ایران و انگلستان

ماده ۵۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در خصوص حوزه صلاحیت دادرسیها و دادگاه‌های نظامی مقرر می‌دارد: «به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح به جز جرائم در مقام ضابط دادگستری در سازمان قضایی رسیدگی می‌شود.

بر اساس ماده فوق و تبصره‌های و همچنین رویه حکم بر دادرسی و دادگاه‌های نظامی و مستنداً به تبصره یک ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، رسیدگی به جرائم ارتكابی نظامیان حین خدمت در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح است.

الف- جرائم و مجازات‌های مشمول عدالت ترمیمی

سازمان قضایی نیروهای مسلح صالح به رسیدگی به جرائم حین خدمت نظامیان می‌باشد و این جرائم محدود به موارد ذکر شده، در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح نیست و هر چه گستره این جرائم بیشتر باشد تبعاً اجرای سیستم عدالت ترمیمی بهتر خواهد بود.

۱- دیات

نظام کیفری اسلامی، دست کم بر اساس قرآن کریم، مبتنی بر عدم استفاده از زندان و حتی مجازات برای اکثر جرائم بود و شیوه‌های غیرکیفری، غیررسمی و ترمیمی،

اجرای سیستم عدالت ترمیمی در دادرسی نظامی ایران و مطالعه تطبیقی با حقوق انگلستان... ۳۲۳

ترجیح داده شده و بزه دیده نقش برجسته‌ای ایفا می‌نماید. در قلمرو سیاست کیفری، عدالت ترمیمی بر سه محور «بزه دیده کنار بزه‌کار»، «جبران خسارت»، «عدم کیفر، به ویژه حبس» و «توافق طرفین دعوا» استوار است. در حالی که در عدالت کیفری، بر سه محور «تقابل بزه‌کار، جامعه و بزه دیده»، «جنگ حقوقی طرفین نظام عدالت کیفری» متشکل از پلیس، قضات، وکلا و بزه کار و «کیفر، به ویژه حبس» می‌چرخد. تقابل شرمساری «باز پذیرنده» و «بدنام کننده» در نمودار بعدی مشخص است. (صفاری، ۱۳۹۶: ۵۰۸).

سیاست کیفری قرآن کریم برای جرائم نسبت به اشخاص، بنا به نص صریح، تابعی از سیاست کلی آن در ترمیمی بودن رسیدگی به تجاوز و بزه کاری نسبت به دیگران است. سیاست قرآن کریم برخلاف ظاهر، نه کیفر و قصاص برای جرائم، که دیه و جبران خسارت است. هر چند قصاص یکی از شدیدترین کیفرها برای قتل در قرآن کریم ذکر شده، اما خدشه‌ای به ترمیمی بودن سیاست کیفری قرآنی در مورد جرائم نسبت به اشخاص وارد نمی‌کند. زیرا در این مورد که قصاص، صرفاً حکم اولیه قتل عمد است، هیچ اختلافی بین فقها و حقوقدانان وجود ندارد و قانون کیفری جمهوری اسلامی ایران نیز آن را نشان می‌دهد (صفاری، ۱۳۹۶: ۵۱۲).

قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ که یک قانون خاص محسوب می‌گردد جرائمی را پیش بینی نمود. که متضمن پرداخت دیه است. از جمله می‌توان به ماده ۴۱ این قانون اشاره نمود که مقرر می‌دارد: «هر نظامی که در حین خدمت یا مأموریت بر خلاف مقررات و ضوابط عمداً مبادرت به تیراندازی نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود و در صورتی که منجر به قتل یا جرح شود علاوه بر مجازات مذکور، حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می‌گردد...».

ملاحظه می‌گردد در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مواد قانونی مشاهده گردد که دیه در آن‌ها پیش بینی شده است و از این جهت ظرفیت‌های استفاده از عدالت ترمیمی پیش بینی شده است. ضمن آنکه در این قانون پیش بینی شده است که چنانچه در سایر قوانین جرمی ذکر شده باشد و رفتار فرد نظامی با ارکان آن مطابقت داشته باشد و در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح باشد که از این جمله موارد در ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ آمده است، دادگاه نظامی می‌تواند به استناد آن قوانین او را محکوم نماید. مانند آنکه یک فرد نظامی با خودروی سازمانی که

۳۲۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

به ایشان جهت انجام مأموریت سپرده شده است تصادف کند و خسارت وارده به خودرو بیش از یک میلیون تومان است و بر اساس نظریه افسر کاردان فنی تصادفات مقصر در حادثه رانندگی اعلام و این نظریه مصون از اعتراض بماند بر اساس ماده ۸۵ ناظر بر ماده ۸۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ ضمن محکوم شدن به پرداخت خسارت از جهت جنبه عمومی نیز محکوم می‌شود و اگر در همین خودروی سازمانی به یک نفر دیگر غیر از راننده صدمه بدنی غیر عمدی وارد گردد دادگاه نظامی به استناد ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ فرد نظامی را محکوم می‌نماید لیکن با رعایت مقررات مربوطه به تعدد(صفاری، ۱۳۹۶: ۵۱۶)

با دقت در حوزه جرائم علیه اشخاص و توجه به نقش بزه دیده و یا خانواده و وراثت او، جنبه ترمیمی غلبه داشته چه در مرحله تعقیب و رسیدگی و صدور حکم، و چه در مرحله اجرای مجازات، این بزه دیده از جرم و یا وراثت و قائم مقام‌های اوست که سرنوشت بزه‌کار را از حیث نوع مجازات و اجرای آن رقم می‌زند، به نحوی که با گذشت و عفو مجرم توسط بزه دیده و یا قائم مقام او، مجازات سنگینی چون قصاص نفس به دیه و حبس تعزیری تبدیل شده، و این امر تا آخرین مرحله قبل از عملی شدن اعلام و با وجود صدور حکم و قطعیت آن امکان پذیر است، حکم مذکور ناشی از توجه اسلام به فراهم شدن زمینه صلح و سازش پایدار در این حوزه می‌باشد و به دلیل علیه «عدالت ترمیمی» بر سایر سیاست‌ها در حوزه جرائم علیه اشخاص، احکام و قواعد عام‌الشمول در حوزه مجازات‌های دیگر، از قبیل قواعد مربوط به تخفیف یا تشدید قضایی مجازات، احکام تعدد و تکرار جرم، احکام مرور زمان و تأثیر توبه مجرم در سقوط مجازات در مجازات‌های مستوجب قصاص و دیات قابل اجرا نمی‌باشد زیرا اجرای بسیاری از این قواعد منجر به تضييع حقوق بزه دیده می‌شود». (رهامی، ۱۳۸۵: ۱۷۵).

۲- قصاص

یکی از مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) قصاص است که در ماده ۱۴ این قانون آمده است. ماده ۱۶ همین قانون مقرر داشته: «قصاص مجازات اسلامی اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضا و منافع است که به شرح مندرج در کتاب سوم این قانون اعمال می‌شود»

اجرای سیستم عدالت ترمیمی در دادرسی نظامی ایران و مطالعه تطبیقی با حقوق انگلستان... ۳۲۵

در جرائم مستوجب قصاص، رویکرد اصلی، سزاگرایی است. در قرآن کریم آمده است: «والحرمان قصاص»، حرمان، جمع حرمت، یعنی امری که لازم است به آن احترام گذاشت. هر چند از این آیه به طور عمده در قصاص استفاده می‌شود، ولی برخی از فقیهان، معتقدند که این آیه کریمه شامل همه‌ی باب‌های کیفر اعم از قصاص، حدود، تعزیرات و حتی دیات می‌شود. این آیه بیان‌گر جنبه استحقاقی کیفرها در حقوق اسلامی است.» (شیری، ۱۳۹۶، ۱۰۴)

بر اساس تبصره ماده دو قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح (۱۳۸۲): «در مواردی که مجازات جرمی در این قانون ذکر نشده باشد چنانچه رسیدگی به آن جرم در صلاحیت دادگاه نظامی باشد، دادگاه نظامی طبق قانون مربوط به آن جرم، تعیین کیفر می‌نماید و اعمال تخفیف و تبدیل به موجب همان قانون خواهد بود». همانطور که قبلاً نیز ذکر گردید بر اساس تبصره یک ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری (۹۲) و فتوای مقام معظم رهبری رسیدگی به کلیه جرائم حین خدمت نظامیان در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح است. به عنوان مثال اگر در حین خدمت و گشت زنی مأمور نیروی انتظامی ضربه‌ای به شخصی بزند و در نهایت دادگاه نظامی یک نوع قتل را عمد تشخیص دهد و دیوان عالی کشور نیز این رأی را ابرام نماید، مجازات بر اساس قانون مجازات اسلامی قصاص می‌باشد و توسط اجرای احکام کیفری دادرسی نظامی علی‌وقوع اجرا خواهد شد. با این وجود در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح (۱۳۸۲) موادی از قانون به قصاص اشاره نموده است. از جمله این مواد قانونی، ماده ۴۱ قانون یاد شده می‌باشد. ملاحظه می‌گردد ممکن است تیراندازی از ناحیه مأمورین، عمد باشد و در نهایت شخص نظامی به قصاص محکوم گردد و رویه قضایی این ماده قانونی را از جرائم خاص نظامی محسوب می‌کند و چنانچه پرونده تیراندازی از ناحیه مأمورین صورت گرفته و در دادرسی یا دادگاه‌های عمومی تشکیل شود منتهی به قرار عدم صلاحیت بعد شایستگی دادرسی یا دادرسی و دادگاه‌های نظامی می‌گردد. به موضوع قصاص در ماده ۴۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح (۱۳۸۲) نیز اشاره شده است. این ماده مقرر می‌دارد: «هر نظامی در حین خدمت یا در ارتباط با آن به نگهبان یا مراتب در رابطه با انجام وظیفه وی تعرض نماید به ترتیب زیر محکوم می‌گردد:

تبصره- چنانچه در اثر تعرض صدمه‌ای به نگهبان یا مراتب وارد آید که موجب قتل یا جرح یا نقص عضو شود مرتکب حسب مورد به قصاص یا دیه نیز محکوم می‌گردد.» همچنین در ماده ۴۷ همین قانون آمده است: «هر نظامی که حین خدمت یا

۳۲۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

در ارتباط با آن نسبت به ما فوق خود عمداً مرتکب ضرب و جرح یا نقص عضو و یا قتل شود علاوه بر محکومیت به قصاص یا دیه، حسب مورد به شرح ذیل محکوم می‌شود...»

ماده ۴۹ از قانون اخیر الذکر که یک جرم خاص نظامی محسوب می‌گردد به قصاص اشاره نموده است. این ماده مقرر می‌دارد: «هر یک از فرماندهان و مسئولان نظامی به افراد تحت امر خود اهانت یا خارج از محدوده اختیارات فرماندهی و آیین نامه انضباطی آنان را تنبیه نماید به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم و هر گاه به موجب قوانین جزایی دیگر مستلزم حد یا قصاص یا دیه باشد به آن مجازات نیز محکوم می‌گردد.»

بنابراین با توجه به مواد قانونی ذکر شده در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح که مجازات قصاص آمده است و مضافاً اینکه رسیدگی به جرائم حین خدمت نظامیان که در سایر قوانین ذکر شده و مجازات قانونی قصاص پیش بینی شده است و با توجه به اینکه با گذشت علیه یا اولیاء دم قصاص ساقط می‌گردد زمینه استفاده از عدالت ترمیمی در دادرسی نظامی وجود داشته و اگر به این ظرفیت توجه شود نتایج خوبی برای افراد و جامعه به دنبال خواهد داشت.

۳- حدود

از جمله حدود که قابل گذشت بوده و در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) به این موضوع اشاره شده است حد قذف است. برابر ماده ۲۵۵ همین قانون: «حدقذف حق الناس است و تعقیب و اجرای مجازات منوط به مطالبه مقذوف است. در صورت گذشت مقذوف در هر مرحله، حسب مورد تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف می‌گردد» و ماده ۲۶۰ این قانون مقرر می‌دارد: «حد قذف اگر اجرا نشده و مقذوف نیز گذشت نکرده باشد به همه ورثه به غیر از همسر منتقل می‌گردد و هر یک از ورثه می‌تواند تعقیب و اجرای آن را مطالبه کند هر چند دیگران گذشت کرده باشند». و در بند پ ماده ۲۶۱ از این قانون آمده است: «هر گاه مقذوف و در صورت فوت وی گذشت کند» از آنجا که قبلاً هم ذکر گردید رسیدگی به جرائم حین خدمت نظامیان در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح است این امکان وجود دارد که یک نظامی حین گشت زنی یا انجام مأموریت مرتکب حدقذف گردد و با توجه به توضیحات بالا ظرفیت استفاده از عدالت ترمیمی وجود دارد در قسمت جرائم بر خلاف تکالیف نظامی از قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح (۱۳۸۲) نیز به حدقذف اشاره شده

اجرای سیستم عدالت ترمیمی در دادرسی نظامی ایران و مطالعه تطبیقی با حقوق انگلستان... ۳۲۷

است. ماده ۴۶ این قانون مقرر می‌دارد: «هر نظامی در حین خدمت به نحوی به نگهبان یا مراتب در رابطه با انجام وظیفه وی اهانت نماید به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می‌گردد، مگر آن که اهانت او مصداق قذف باشد که به مجازات آن محکوم می‌شود». مضافاً آنکه در ماده ۴۹ این قانون آمده است: «هر یک از فرماندهان و مسئولان نظامی به افراد تحت امر خود اهانت یا خراج از محدوده اختیارات فرماندهی و آیین نامه انضباطی آنان را تنبیه نماید به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم و هر گاه به موجب قوانین جزائی دیگر مستلزم حد یا قصاص یا دیه باشد به آن مجازات نیز محکوم می‌گردد». یکی از مصادیق حد در این ماده حد قذف است.

بر اساس تبصره دو ماده ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): در مورد بند پ این ماده و سایر حبس‌هایی که مشمول عنوان تعزیر نیست هر گاه مرتکب حین اجرای مجازات توبه نماید و مقام رهبری آزادی او را مصلحت بداند با عفو ایشان از حبس آزاد می‌شود. همچنین مقام رهبری می‌تواند مجازات او را مجازات دیگری تبدیل نماید». بند پ این ماده مقرر می‌دارد: «در مرتبه سوم، حبس ابد است». بنابراین مشاهده می‌شود در حدود نیز به جنبه اصلاحی توجه شده است. از جمله شرایط سرقت مستوجب حد شکایت صاحب مال از سارق نزد مرجع قضایی است که در بند (د) ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) آمده است. چنانچه با بکارگیری یکی از روش‌های عدالت ترمیمی صاحب مال گذشت نماید و از شکایت نزد مرجع قضایی منصرف شود ضمن برخورداری از مزایای عدالت ترمیمی، متهم از مجازات‌های سنگین سرقت مستوجب حد که در ماده ۲۷۸ قانون یاد شده آمده است، رهایی می‌یابد. از جمله شرایط دیگر اثبات سرقت مستوجب حد بند (ذ) ماده ۲۶۸ است که مقرر می‌دارد: «صاحب مال قبل از اثبات سرقت سارق را نبخشد» که در این زمینه روش‌های عدالت ترمیمی می‌تواند راهگشا باشد.

بنابراین از طریق توبه و عفو که از مصادیق ترمیمی هستند مجازات‌های مقرر در حدود قابل سقوط، تقلیل یا تبدیل است. بر اساس ماده ۱۲ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح (۱۳۸۲) محکومیت قطعی به حدود موجب اخراج نظامی از زمان قطعیت حکم از خدمت می‌گردد. این ماده مقرر می‌دارد: «اعضای ثابت نیروهای مسلح که به موجب احکام قطعی دادگاه‌ها در جرائم عمدی به مجازات‌های زیر محکوم می‌شوند از زمان قطعیت حکم از خدمت اخراج می‌گردند:

۳۲۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

...ب- محکومیت به حدود... و در مورد افسران و درجه داران وظیفه و کارکنان پیمانی که خدمت وظیفه خود را به اتمام نرسانده‌اند چنانچه به علت ارتکاب جرائم عمدی به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده (۱۲) این قانون محکوم شوند بقیه خدمت وظیفه خود را پس از اجرای مجازت با دو درجه یا رتبه پایین‌تر به صورت خدمت وظیفه انجام خواهند داد».

اخراج از نیروهای مسلح مجازات تبعی است که برای نظامیان در فرض محکومیت قطعی به حدود پیش بینی شده است که اگر این مجازات‌ها با استفاده از ظرفیت‌های مقرر در عدالت ترمیمی ساقط یا تخفیف یا تبدیل یابد می‌تواند مزایای زیادی برای متهم نظامی به دنبال داشته باشد و به این ترتیب توجه و استفاده از این ظرفیت‌ها اهمیت بسزایی پیدا می‌کند.

۴- تعزیرات

ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) در تعریف تعزیر مقرر می‌دارد: «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم؛

ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان بار آن؛

پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم؛

ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی».

جرائم تعزیری به دو دسته قابل گذشت و غیرقابل گذشت تقسیم می‌شود. ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) در تعریف جرائم قابل گذشت بیان می‌دارد: «در جرائم تعزیری قابل گذشت، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی حسب مورد موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات است.

تبصره یک- جرائم قابل گذشت، جرائمی هستند که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است.

تبصره دو- جرائم غیرقابل گذشت، جرائمی می‌باشند که شکایت شاکی و گذشت وی در شروع به تعقیب و رسیدگی در ادامه آنها و اجرای مجازات تأثیری ندارد.»

اجرای سیستم عدالت ترمیمی در دادرسی نظامی ایران و مطالعه تطبیقی با حقوق انگلستان... ۳۲۹

نکته قابل توجه آن است با توجه به تصریح ماده ۱۰۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، اصل در جرائم غیرقابل گذشت بودن آنهاست و به موجب تبصره ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) و اصلاحات و الحاقات بعدی، تعیین جرائم قابل گذشت به موجب قانون است. این ماده قانونی مقرر می‌دارد: «چنانچه قابل گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد، غیرقابل گذشت محسوب می‌شود مگر این که از حق الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد».

جرائم قابل گذشت در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) ذکر شده است. بنابراین گذشت شاکی در جرائم قابل گذشت موجب صدور قرار موقوفی تعقیب یا اجرای حکم است و به عنوان مثال در جرائمی از جمله توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک، افتراء، افتراء عملی، نشر اکاذیب و هجو استفاده از روش‌های ترمیمی کارگشا می‌باشد.

ب- برنامه‌های کنشگران و عدالت ترمیمی

در دیدگاه عدالت کیفری، تعریف خاصی از بزه وجود دارد؛ بزه نقص قواعد و تعرض به حقوق جامعه و دولت است. مطابق این دیدگاه، کنشگر اصلی و فعال، مقامات عدالت کیفری هستند که به نمایندگی از طرف حکومت ایفای نقش می‌کنند و جهت گیری کلی آنان نیز، کیفر بزهکار است. (شیری، ۱۳۹۶، ۲۱۵)

اهمیت موضوع این است که بزه دیدگان در دادرسی نظامی جایگاه ضعیفی داشته‌اند و در غالب موارد بزهکاران از موقعیت خود سوءاستفاده نموده و به عنوان مثال از او اخاذی می‌کنند و این صحنه تا همیشه در ذهن او باقی می‌ماند و حتی در فرض محکومیت و سیری شدن دوران محکومیت، آسیب‌های روحی به بزهکار را جبران نمی‌کند و با فرض تعریف زیر همه کنشگران این فرایند منتفع می‌شوند.

۱- بزه دیده

یکی از مباحث بسیار مهم در عدالت ترمیمی، رویکردهای خاص آن به بزه دیده یا آسیب دیده از خطاست. عدالت ترمیمی شیوه‌ای برای حل مشکلات به وجود آمده در اثر بزه است که در آن بزه دیده، فرصت و امکان به دست آوردن امنیت دوباره و جبران خسارت را پیدا می‌کند. (شیری، ۱۳۹۶، ۲۲۱)

«دانیل ون نس» بزه دیدگان را بر اساس سطح مسئولیت پذیری به سه دسته تقسیم می‌کند: «بزه دیده‌ای که ارتباطی با بزه ندارد. مسئولیتی برای بزه ندارد؛ بزه دیده تحریک

۳۳۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

کننده که رفتارهایش باعث شده، بزهدار مرتکب بزه شود؛ بزه دیده شرکت کننده که کاری برای تحریک بزهدار انجام نداده اما رفتارش بزهدار را وسوسه کرده است» (دانیل^۱، ۱۹۸۶: ۲۹).

با توجه به اینکه موضوع رساله تطبیقی بین حقوق ایران و انگلستان ذکر این مکتبه لازم است که: «کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر که با قانون مصوب ۱۹۹۸ حقوق بشر وارد حقوق انگلستان شد، فاقد هرگونه مرجعی برای حقوق بزه دیده است اگر چه اصول دادرسی منصفانه، تحت ماده شش می‌تواند غیرمستقیم بر بزه اثر بگذارد و حقوق بزه دیدگان در برابر حقوق متهمان، نیاز به متعادل شدن دارد» (شیری، ۱۳۹۶، ۲۳۶)

نگاهی به مجموع مقررات انگلستان، نشان می‌دهد که نظام عدالت کیفری آن همواره درصدد بیان مصادیق قربانی جرم بوده و آن‌ها را مشخص و خصوصیات را برای عنوان قربانی جرم ذکر نموده است در آخرین مقررات حاکم بر این کشور در این خصوص، قربانی و بستگان نزدیک او شامل همسر یعنی زن و مردی که با هم زندگی می‌کنند، پدر خوانده یا مادر خوانده، والدین، سرپرست و خواهر یا برادر تنی یا ناتنی، کودک و شریک زندگی به معنای فردی که در یک خانه با فرد دیگری با هم زندگی می‌کنند چرا اینکه آنها از جنس موافق (همجنس) یا مخالف باشند معرفی نموده است و غیر از افراد مذکور فرد دیگری به عنوان بستگان قربانی جرم، محسوب نمی‌نماید. (سبزواری نژاد، ۱۳۹۲: ۲۵)

در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح (۱۳۸۲) از بزه دیده یا قربانی جرم مبنی بر تعریف یا مصادیق آن سخنی به میان نیامده است. قانون نیروهای مسلح انگلستان (۲۰۰۶) که از نوزده بخش تشکیل شده است مباحثی مانند رفتار مجرمانه شروع به جرم، تحریک و مساعدت و تشویق ذکر شده است و در واقع یک قانون بسیار مفصل، دقیق و یکپارچه‌ای است که تمام مسائل ماهوی و شکلی نظامی و دیگر مقررات نظامی را در خود جای داده است، لیکن به بزه دیده مبحثی اختصاص نداده است و به نظر می‌رسد که باید به مقررات جزای ایران و انگلستان که ذکر گردیده تا این قسمت در مورد بزه دیده صحبت شد در ادامه به نیازهای بزه دیده پرداخته می‌شود.

^۱ - Daniel

-پرداخت غرامت

یکی از نیازهای بزه دیده، نیاز به پرداخت غرامت از سوی بزهکار است. خسارت‌های وارده به بزه دیده به جهت آسیب‌ها و ضرر و زیان‌های وارده به وی باید به نحو مطلوبی جبران شود. بزهکار با پرداخت غرامت می‌تواند تا حدودی این آسیب‌ها را جبران کند. بزه دیده قبل از بزه دیدگی در وضعیت مناسبی قرار داشته است و بزه، موقعیت او را خراب کرده است. باید کاری انجام شود تا وضعیت بزه دیده به وضعیت قبل از بزه دیدگی برگردد؛ از این رو یکی از موارد مهمی که طرفداران عدالت ترمیمی مطرح می‌سازند، بهبود وضعیت بزه دیده به وضعیت قبل از بزه دیدگی است که با پرداخت غرامت به وسیله بزهکار، یک گام بسیار مهم برداشته می‌شود (شیری، ۱۳۹۶، ۲۵۳)

جبران خسارت وارده به قربانی توسط مجرم در دادگاه‌های کیفری به طرق مختلفی صورت می‌پذیرد:

۱- یکی از طرق جبران خسارت وارده به قربانی جرم آن است که اموال و منافع ناشی از جرم به قربانی به صورت استرداد انجام پذیرد. در قوانین کیفری انگلستان در مورد استرداد اموال و منفعی که قربانی جرم در اثر ارتکاب جرم از دست می‌دهد، مقررات متعددی پیش بینی شده است. اولین مقرر، در این مورد ماده ۲۸ قانون سرقت ۱۹۶۸ است که به دادگاه اجازه می‌دهد که اقدام به صدور دستور استرداد اموال مسروقه (عین) یا معادل اجازه می‌دهد که اقدام به صدور دستور استرداد اموال مسروقه (عین) یا معادل آن‌ها (قیمت یا مثل) به قربانی نماید. در ماده ۱۰۷ قانون عدالت کیفری ۱۹۸۸ دادگاه اجازه دارد که بتواند فروش اموال ضبط شده را صادر نماید و از وجه حاصله، ضرر وارده به قربانی جرم را مسترد دارد.

در این رابطه ماده ۲۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قابل توجه است. این ماده مقرر می‌دارد: «مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است، اگر موجود باشد عین آن را و اگر موجود نباشد مثل آن را و در صورت عدم امکان رد مثل، قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده خسارت وارده نیز بر آید. هر گاه از حیثیت جزایی وجهی بر عهده مجرم تعلق گیرد، استرداد اموال یا تأدیه خسارت مدعیان خصوصی بر آن مقدم است».

۳۳۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

بنابراین قانونگذار قضات دادسرا و دادگاه را حسب مورد مکلف نموده که ضمن صدور تصمیم ماهوی، در مورد استرداد، معدوم کردن و ضبط اموال یا اشیاء که دلیل یا وسیله ارتکاب جرم بود. از جرم تحصیل شده، حین ارتکاب جرم استعمال شده و یا برای استعمال اختصاص داده شده، تعیین تکلیف نماید. مفاد ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) با اندکی تغییر در ماده ۱۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) آمده است.

۲- شکل دوم جبران خسارت وارده به قربانی جرم به شکل مجازات مجرم خواهد بود. هر چند جبران خسارت وارده به قربانی، ناشی از جرم در نظام کیفری انگلستان در مواردی خاص به سال‌های بسیار طولانی بر می‌گردد. قانونی که امروزه در این در انگلستان قابل اجرا می‌باشد، موارد مقرر در مواد ۱۳۴-۱۳۰ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری ۲۰۰۰^۱ است که برخی از این مقررات سال ۲۰۰۳ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳^۲ اصلاح گردیده است. در موارد ۱ و ۲ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری ۲۰۰۰ آمده است که دادگاه جزا یا مجستریت می‌بایست در تعیین مجازات، شرایط و اوضاع و احوال مجرم را همراه با اقدامات موجب جبران خسارت قربانی جرم را لحاظ نماید. قانون ۲۰۰۳ نیز این امکان را به دادگاه داده است که در تعیین مجازات‌های اجتماعی و شرایط تعیین شده در این گونه مجازات‌ها، اهداف مجازات و جبران خسارت قربانی جرم را ملحوظ نظر قرار دهند (سبزواری نژاد، ۱۳۹۲، ۱۰۲)

۳- جبران خسارت از طریق اخطار برای مجرم بزرگ سال طریق دیگری است که در مقررات کیفری انگلستان برای قربانی جرم پیش بینی گردیده است. تا سال ۲۰۰۳ مقررات قانونی در مورد اخطار به مجرم بزرگ سال، در کشور انگلستان وجود نداشت و تنها در قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸^۳ است که در ارتباط با مجرم جوان و کودک در این زمینه مقررات قانونی ظهور پیدا می‌کند. علی‌رغم این نوع اقدامات در قانون ۲۰۰۳ این کشور، امروزه کمتر برای جبران خسارت قربانی جرم از آن بهره برده است و با شیوه آورده شده برای افراد جوان بسیار متفاوت است. ماده ۲۲ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ ارائه اخطاری را برای مجرم از سوی دادگاه بیان می‌دارد که در آن دادگاه می‌تواند، در صورت وجود شرایطی که اطمینان بدست آید که مجرم می‌تواند، خسارت

^۱ Powers of criminal courts (sentencing) act ۲۰۰۰

^۲ Criminal Justice Act ۲۰۰۳

^۳ Crime and Disorder Act ۱۹۹۸

اجرای سیستم عدالت ترمیمی در دادرسی نظامی ایران و مطالعه تطبیقی با حقوق انگلستان... ۳۳۳

وارده به قربانی را جبران نماید، اقدام به صدور چنین اخطاری نماید. در قوانین کیفری ایران، نهاد مشابه ای بتواند همانند نظم عدالت کیفری انگلستان اقدام به صدور چنین اخطاری نماید وجود ندارد. تنها موردی که دادگاه می‌تواند مجرم را به پرداخت خسارت وارده به قربانی جرم وادارد تشویق نماید، درخواست دادگاه برای اصلاح ذات البین طرفین است که در آن ضمانت اجرای قانونی وجود ندارد در انگلستان به موجب مواد ۲۲ و ۲۳ قانون مذکور، دادستانی باید دلیل کافی برای ارتکاب جرم متهم داشته باشد و یا متهم اقرار به ارتکاب جرم خود بنماید و اخطار صادره در ارتباط با جرم ارتكابی باشد. دادستانی باید در مورد اثر شرایط اخطار به مجرم توضیح دهد و به وی اخطار دهد که در صورت عدم رعایت شرایط می‌تواند وی را تحت تعقیب قرار دهد (سبزواری نژاد، ۱۳۹۲، ۱۰۴-۱۰۵)

چهارمین روش برای جبران خسارت، استفاده از اخطار غیررسمی و نهایی (رسمی) است به موجب قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ برنامه‌هایی از سوی دادگاه با قرار ارجاع به هیات رسیدگی به مجرمان جوان برای صدور اخطار نهایی ارائه گردیده است، میانجی‌گری بین قربانی و مجرم، عذرخواهی یا جبران خسارت از قربانی و جامعه به عنوان بخشی از اقداماتی است برای کاهش تکرار جرم افراد مجرم جوان در نظر گرفته شده است. بر اساس مقررات قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ افسر (مأمور) پلیس، می‌تواند اقدام به صدور اخطار غیررسمی برای مجرم کمتر از ۱۸ سال نماید. در این اقدام که دلیل کافی برای ارتکاب جرم از سوی مجرم وجود دارد و مجرم اقدام به ارتکاب جرم نموده و از نظر افسر پلیس هم به نفع عموم نمی‌باشد که از تعقیب گردد، در مقر پلیس افسر در حضور والدین یا سرپرست یا نماینده قانونی یا مددکار اجتماعی محلی، اقدام به صدور اخطار برای وی نماید. پس از آن مجرم به کمیسیون محلی اطفال بزهکار ارجاع داده می‌شود کمیسیون مذکور پس از ارزیابی شرایط، اقدام به اتخاذ برنامه ریزی برای وی می‌نماید. این برنامه‌ها می‌تواند شامل ملاقات با قربانی جرم یا عذرخواهی از او یا استماع اثرات جرمی که بر قربانی گذاشته یا برنامه کاری و جبران خسارت برای قربانی جرم باشد. به هر حال، به نظر می‌رسد، صرف نظر از اهداف دیگر این برنامه، قربانی جرم و اتخاذ این گونه برنامه‌ها و اقدام وی برای جبران خسارت قربانی جرم از مبانی اساسی و بنیادی اتخاذ چنین رویکردی از سوی قانونگذار انگلستان است.

۳۳۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

در ایران تفکیکی در دادرسی‌ها، بین افراد (قربانی جرم) به لحاظ سن آنان وجود ندارد. بنابراین چنین نهاد قانونی در ایران وجود ندارد. هر چند در برخی موارد دادگاه‌ها با ابتکار خود اقدام به صدور چنین آرای در این جهت نموده؛ اما بدیهی است که با توجه به حاکمیت اصل قانونی بودن دادرسی‌ها، صدور چنین احکامی ولو نه نفع مجرم و قربانی جرم باشد. به جایی نخواهد برد، بنابراین می‌باید به دنبال راهکارهای قانونی گشت.» (سبزواری نژاد، ۱۳۹۲، ۱۰۷)

-بهبود امنیت

«علاوه بر نیاز به پرداخت غرامت، جبران و... بزه دیدگان نیازهای دیگری نیز دارند که باید به آن‌ها توجه شود. طرفداران عدالت ترمیمی، این نیازها را تحت عنوان بهبود امنیت مطرح می‌کنند. شناسایی نوع آسیب‌های وارده به بزه دیده حائز اهمیت است. در فرایند عدالت کیفری خیلی ساده به این موضوع نگریسته می‌شود؛ این گونه تصور می‌شود که وقتی اتومبیل یک نفر سرقت شد یا کسی مورد ضرب و شتم قرار گرفت، همین که مبلغی به عنوان غرامت پرداخت شود کافی است؛ در حالی که بزه دیده به جهت آسیب‌های وارده، نیازهای دیگری نیز دارد. احساس تنهایی، ترس و ناامنی در اجتماع، همواره بزه دیدگان را رنج خواهد داد. بزه دیده، قبل از ارتکاب بزه، احساس خوبی در مورد زندگی دارد، از مردم و اعضای جامعه نمی‌ترسد، حتی آنان را دوست دارند وقتی کسی مورد تجاوز قرار می‌گیرد یا بزه‌کار یکی از نزدیکان او را به قتل می‌رساند و یا مجروح می‌کند، احساساتش تغییر می‌کند و قطع ارتباط با اجتماع، ترس و وحشت و ناامنی تمام وجود او را پر می‌کند.

بر اساس بند ۱۴ ماده ۷ پیشین انگلستان، دادستانی می‌باید به درخواستی که از سوی نهادهای مذکور که برای جبران خسارات وارده به قربانی پیش بینی شده‌اند، پاسخ و اطلاعات مورد نیاز را در این خصوص ظرف ۶۰ روز برای آنان ارسال دارد. کارمندان دادگاه براساس بند ۴ ماده ۸ در انگلستان موظف هستند که محل جداگانه‌ای را برای قربانیان در هنگام انتظار دادرسی و حضور در دادگاه در نظر بگیرند. این محل باید به نحوی باشد که از دسترس متهم، خانواده وی یا دوستان او به دور باشد. از جمله موارد دیگری که می‌تواند در بهبود امنیت قربانیان مؤثر است تکلیف کارمندان دادگاه در انگلستان است که باید حصول اطمینان نمایند که مدت انتظار قربانی را برای حضور در دادرسی طولانی نباشد، به طوری که این انتظار نباید بیش از دو ساعت به طول انجامد (سبزواری نژاد، ۱۳۹۲، ۱۳۶)

اجرای سیستم عدالت ترمیمی در دادرسی نظامی ایران و مطالعه تطبیقی با حقوق انگلستان... ۳۳۵

«استفاده شاهد از پوششی مانند کلاه و لباس بر مبنای ماده ۲۶ قانون عدالت جوانان و ادله کیفری ۱۹۹۹ در دادگاه، جهت اینکه صورت و شمایل شاهد هنگام ادای شهادت دیده و شناخته نشود و با آن حالت مطالب خود را بیان دارد، از مواردی است که در راستای پنهان داشتن هویت شاهد و در نتیجه جلوگیری از ورود آسیب‌های احتمالی به وی در آینده است. در مقررات ایران استفاده از چنین اقدامی پذیرفته نشده است. از اقدامات دیگر قانونگذار انگلستان، ایجاد محدودیت انتشار دادرسی و شناسایی مشهود است که به موجب ماده ۴۵ قانون مذکور، دادگاه می‌تواند دستور دهد، هیچ مطلبی از دادرسی مربوط به افراد زیر ۱۸ سال، انتشار نیابد، به نحوی که افراد جامعه از آن آگاه شده و سبب شناسایی فرد شرکت کننده در دادرسی شود. به همین دلیل نباید نام یا آدرس محل سکونت و موسسه‌ای که قربانی در آن تحصیل یا کار می‌کند، منتشر گردد. ایجاد محدودیت برای انتشار مشخصات قربانی یا شاهد جرم، به اطفال محصور نمی‌گردد. به موجب ماده ۴۶ قانون مذکور، افراد بزرگسالی که به عنوان شاهد در دادگاه حضور می‌یابند، بر حسب تشخیص دادگاه، چنانچه انتشار مشخصات آنان به سبب سابقه فرهنگی و اجتماعی و ریشه‌های نژادی یا اوضاع کاری و خانوادگی یا اعتقادات مذهبی و دیدگاه‌های سیاسی موجب ایجاد رفتاری بر علیه آنان از سوی متهم یا اعضای خانواده یا دوستان متهم و سبب ترس و اضطراب شاهد یا هر فرد شرکت کننده دادرسی به عنوان شاهد شود، دادگاه می‌تواند نام و آدرس محل زندگی، تحصیل و کار و تصویر او را منتشر ننماید. (سبزواری نژاد، ۱۳۹۲، ۱۴۰)

قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) در راستای بهبود امنیت بزه دیده گام‌هایی برداشته است. توضیح آنکه آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح بخش هشتم از قانون یاد شده را به خود اختصاص داده است. ماده ۳۸ این قانون در این راستا مقرر می‌دارد: «ضابطان دادگستری مکلفند شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه سازند.» بزه دیده که جرم علیه وی واقع شده و اعتماد خود را از دست داده است در وضعیت نابسامانی قرار دارد و ضابطان دادگستری که معمولاً اولین مقامات رسمی هستند که بزه دیده با آنان روبه‌رو می‌شود قانونگذار آنان را مکلف نموده است که او را از حق جبران خسارت و بهره‌مندی از معاضدت حقوقی مطلع نمایند. بدیهی است که این وضعیت در بهبود امنیت بزه دیده مؤثر است.

۳۳۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

در راستای بهبود امنیت بزه دیده، پیشنهاد می‌گردد قانونگذار، پیش بینی نماید. مستفاد از تبصره یک ماده ۲۱۴ ق.آ.د.ک (۱۳۹۲) در جرائم خطرناک و مجرمین سابقه دار که احتمال برای بزه دیده دارد با درخواست بزه دیده یا تشخیص بازپرس تدابیر لازم از قبیل آموزش برای حفاظت از سلامت جسمی و روحی یا تغییر مکان آن اتخاذ نماید. البته این اقدامات همانطور که ذکر گردید در فرضی که خطری بزه دیده را از جانب متهم یا خانواده او تهدید نماید.

-اعطای اختیار

«بزه دیده در نظام عدالت کیفری اختیاری ندارد. وی احساس می‌کند در حالی که بیشترین آسیب را دیده است، کمترین حق را دارد، حتی در بسیاری موارد حق صحبت کردن نیز به وی داده نمی‌شود، در حالی که بزه دیده متمایل به داشتن اختیار در فرایند عدالت است. از نظر طرفداران عدالت ترمیمی، یکی از نیازهای بزه دیده، نیاز به اعطای اختیار است.» (شیری، ۱۳۹۶، ۲۵۶)

بسیارند بزه دیدگانی که ترجیح دهند به جای تنبیه و کیفر بزهکار فرایندی را انتخاب کنند که خود در آن دخالت کنند و می‌توانند در خصوص نحوه پاسخ به بزهکار تصمیم بگیرند. اعطای این اختیار، موجب مشارکت بیشتر بزه دیده در فرایند تحقق عدالت خواهد شد. «اعطای اختیار حق قصاص و توافقی در خصوص دیه در جنایات عمدی در حقوق ایران و فقه اسلامی مشاهده می‌شود.» (شیری، ۱۳۹۶، ۲۵۶)

در دادرسی‌های کیفری، بزه دیده حق دارد در بیان مطالب آزادی داشته باشد چه در دادسرا و دادگاه‌های عممی و نظامی صرفاً برای بزه دیده جهت استماع شکایت اختطاریه صادر می‌شود و حتی بعضی از قضات در فرضی که جرم جنبه عمومی دارد نیازی به اخطار به شاکی نمی‌بینند. در این فرض بزه دیده از فرایند رسیدگی کنار گذاشته می‌شود. لازم است بزه دیده که بزه را تحمل نموده بالاحص در دادرسی نظامی مورد توجه قرار گیرد و در مراحل مختلف رسیدگی از جمله آزادی شروط، تعلیق اجرای مجازات، اظهارات او شنیده شود و این مستلزم قانونگذاری است.

۲-بزهکار

مهم‌ترین اهداف عدالت ترمیمی در ارتباط با بزهکار را می‌توان در موارد زیر بررسی نمود.

- موانع بازگشت بزهکار به جامعه

طرفداران عدالت ترمیمی ادعا می‌کنند روش‌های عدالت کیفری برای بازگشت بزهکار به جامعه ناموفق بوده است. این عدم موفقیت اول به دلیل ماهیت نظام عدالت کیفری است. با مطالعه در دفاعیات متهمان در فرایندهای کیفری و دسته بندی این گونه دفاعیات، گونه‌های مختلفی از توجیحات آنان را مشاهده می‌کنیم:

یک - گروهی اساساً منکر ارتکاب بزه هستند و می‌گویند ما مرتکب جرمی نشده‌ایم، این افتراست، پرونده سازی است، واقعیت ندارد و اظهاراتی از این قبیل. دو- گروهی دیگر، ارتکاب بزه را می‌پذیرد ولی صدمه‌های وارده را به طور کلی یا جزئی انکار می‌کنند؛ مثلاً می‌گویند بلی من فلا شیء متعلق به بزه دیده را دزدیده‌ام ولی این شیء دارای ارزش معنوی یا مادی خاصی نیست و اظهارات بزه دیده مبنی بر آسیب‌های وارده شدید روحی و عاطفی را منکر می‌شوند. به خصوص در تجاوزات جنسی به عنف، این توجیحات زیاد مشاهده می‌شود.

سه- گروهی دیگر ارتکاب بزه و صدمه‌ی وارده را قبول می‌کنند ولی ادعا می‌کنند در لحظه ارتکاب جرم، مثلاً مجبور، خواب، مست یا مضطر بوده‌اند؛ در نتیجه مسئولیت ارتکاب فعل بزهکارانه را از خویش نفی می‌کنند.

چهار- گروه دیگر، ضمن قبول مسئولیت ارتکاب بزه، بزه دیده آر مستحق بزه دیدگی می‌دانند و ادعا می‌کنند که او به سزای عملش رسیده است و باید با او چنین رفتار می‌شد.

در نظام عدالت کیفری این رفتارها از ناحیه بزهکاران فراوان دیده می‌شود و به همین دلیل، رفع این گونه موانع در نظام عدالت کیفری تقریباً محال است؛ زیرا بزهکار با پذیرش بزهکاری خود در معرض کیفر قرار می‌گیرد. عدالت ترمیمی با آگاهی از این گونه موانع در نظام عدالت کیفری، روش‌هایی را پیشنهاد می‌کند که بزهکار با پذیرش بزهکاری و مسئولیت رفتاری، در مسیر محکومیت کیفری قرار نگیرد، بلکه به وی مساعدت می‌شود آسیب‌های وارده به بزهکار را جبران و بدین وسیله راه بازگشت وی به جامعه هموار می‌شود. (شیری، ۱۳۹۶، ۲۸۸).

-پذیرش داوطلبانه‌ی مسئولیت توسط بزهکار

یکی از برنامه‌هایی که طرفداران ترمیمی به طور جدی از آن حمایت می‌کنند، پذیرش داوطلبانه مسئولیت توسط بزهکار است. بزهکاران در فرایندهای عدالت ترمیمی فقط نسبت به اتهامهای خویش مدافع هستند و نقشی بر عهده ندارند. در حالی

که در فرایندهای عدالت ترمیمی، آنان کنشگران فعال هستند، بزهکاران در حلقه‌های ترمیمی وارد می‌شود و دریافتن پاسخ مشترک با بزه دیده به توافق می‌رسند. در فرایند کیفری، به دلیل ساختار ماهوی‌اش، هر چند با اصلاحات و جنبش‌های اصلاحی به طور دائم تغییر کند، نمی‌تواند به برقراری ارتباط بزه دیده و بزهکار و پیشگیری از ارتکاب جرم در آینده کمک کند. ولی در فرایند ترمیمی، پذیرش داوطلبانه مسئولیت، جانشین انکار بزه و مسئولیت در عدالت کیفری می‌شود. این پذیرش اختیاری به ایجاد رابطه مجدد بزهکار و بزه دیده و اعضای جامعه منجر می‌شود. بزهکار احساس ندامت خواهد کرد. برای جبران آسیب‌های وارده تلاش می‌کند و یک حس امنیت قوی در او ایجاد می‌شود که این حس به وی کمک می‌کند تا در آینده به سمت جرم بازنگردد. ابزار صادقانه پشیمانی و ندامت به همراه تلاش جدی برای جبران اعمال غلطی که انجام داده‌اند، برای آن‌ها احترام اعضای مطیع قانون در جامعه و حتی بزه دیده را به ارمغان می‌آورد؛ در نتیجه ما به اهداف مختلفی دست پیدا کرده‌ایم؛ بزهکار را اصلاح و راه بازگشت وی به اجتماع را هموار و خسارت‌ها و آسیب‌های وارده بر بزه دیده را جبران کرده‌ایم و از وقوع جرم در آینده نیز پیشگیری نموده‌ایم». (شیری، ۱۳۹۶، ۲۹۲)

عدالت ترمیمی، برنامه‌های متعددی در رابطه با تشویق بزهکار به پذیرش داوطلبانه مسئولیت تدارک دیده است که به اهم این برنامه‌ها، یعنی میانجی‌گری میان بزه دیده و بزهکار، نشست‌های گروهی خانوادگی و حلقه‌های تعیین کیفر قبلاً پرداخته شده است.

- شرمساری همراه با گذشت و بازپذیری

یکی از هدف‌هایی که عدالت ترمیمی در ارتباط با بزهکاران دنبال می‌کنند، به وجود آوردن حس ندامت و شرمساری در بزهکار است؛ زیرا تا زمانی که چنین احساسی در بزهکار تقویت نشود، امکان جلوگیری از تکرار بزه در آینده فراهم نمی‌شود. تنها در صورتی می‌توانیم از وقوع مجدد بزه جلوگیری کنیم که در بزهکار حس تقویت کنیم تا خودش از ارتکاب بزه پرهیز کند و این پرهیز و اجتناب زمانی به وجود می‌آید که او از کرده خود پشیمان شود. این ندامت و پشیمانی یا شرمساری، نه تنها موجب می‌شود بزهکار در آینده مرتکب جرم نشود، بلکه باعث می‌شود جهت جبران زیان‌ها و آسیب‌های ناشی از بزه تلاش کند. تفاوت مهم دیگری که در اینجا بین دیدگاه عدالت کیفری و عدالت ترمیمی وجود دارد، این است که در دیدگاه عدالت ترمیمی، سرزنش بزهکار که جهت شرمساری کار وی صورت می‌گیرد، همراه با تشویق بزه دیده به

اجرای سیستم عدالت ترمیمی در دادرسی نظامی ایران و مطالعه تطبیقی با حقوق انگلستان... ۳۳۹

بخشش و گذشت است. این نحوه برخورد، موجبات با گذشت دوباره بزهکار به جامعه را فراهم خواهد آورد.

- جبران خسارت بزه دیده به وسیله بزهکار

مشهورترین شکل جبران آسیب‌های بزه دیده در نظام عدالت کیفری، جبران مالی است که بزهکاران ملزم می‌شوند با حکم دادگاه بپردازند. در گذشته، رسیدگی به این آسیب‌ها در محاکم کیفری و الزام بزهکار به پرداخت آن، مورد قبول نظام عدالت کیفری نبود و زیان دیده باید از طریق محاکم حقوقی، خواسته خود را مطرح می‌کرده است. برای مثال: «اولین بار پرداخت غرامت^۱ در قانون عدالت کیفری انگلستان مصوب ۱۳۷۲ به عنوان مجازات کمکی در مواردی که بزه دیده، صدمه، آسیب یا خسارتی دیده بود، معرفی شد. ده سال بعد، دادگاه‌ها اختیار اعمال جبران خسارت را حق خود دانستند، آن را یک حکم ساده کمکی برای کیفر به اضافه کیفرهای دیگر برشمردند. البته در صورتی که هم جبران خسارت و هم جزای نقدی مورد حکم قرار گیرد، پرداخت جزای نقدی اولویت دارد. (قانون عدالت کیفری ۱۹۸۲) قانون عدالت کیفری ۱۹۸۸، دادگاه‌ها را موظف کرد که دلایل خود را برای صادر نکردن حکم جبران، بیان نمایند.» البته، نمی‌توان ادعا کرد کسی که دیه دریافت می‌کند، آسیب‌هایش جبران شده است. مثلاً کسی که دیگری را با چاقو مجروح می‌کند، هرگز نمی‌تواند با پرداخت دیه وضع را به حالت قبل از چاقو خوردن برگرداند. حتی، اگر قبلاً از کار خود پشیمان شود و خسارت‌های مادی لازم را هم بپردازد، نمی‌تواند آسیب‌های روحی و روانی وارده را جبران نماید. ولی به هر صورت حداقل از نظر مادی، تا حدودی می‌تواند آسیب‌های وارده را جبران نماید.» (شیری، ۱۳۹۶، ۲۹۷)

علی‌رغم پیش‌بینی مقررات لازم در سطح ملی و بین‌المللی در مورد لزوم جبران خسارت بزه دیده از طرف بزهکار، به دلیل ماهیت ناکارآمد نظام عدالت کیفری، خسارت اکثر بزه دیدگان بدون جبران باقی می‌ماند. برای مثال، «بر اساس پژوهش‌های انجام شده توسط وزارت کشور انگلستان، اکثر بزه دیدگان چیزی از شخصی که بزه‌ی علیه آنان مرتکب شده بود، حتی وقتی بزهکار محکوم می‌شد، دریافت نکردند. نسبت بزهکارانی که مرتکب بزه‌های خشن شده بودند و در دادگاه‌های بخش به پرداخت خسارت محکوم شدند از ۶۰٪ به ۳۵٪ کاهش یافت و در دادگاه‌های کیفری نیز همین

^۱ - compensation

۳۴۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

کاهش ثبت شده از ۲۹٪ در سال ۱۹۹۹ به ۱۶ درصد در سال ۲۰۰۱ کاهش یافت. در مورد بزه‌های خفیف‌تر نسبت بزه‌کارانی که محکوم به پرداخت خسارت در دادگاه بخش شدند از ۲۲٪ به ۱۴ بزه و در دادگاه کیفری در سال ۱۹۹۰ از ۱۳٪ به ۸٪ در سال ۲۰۰۱ رسید. در گزارش مذکور دلایل کاهش مشخص نشده است.»

دلایل اصلی این کاهش، عدم توانایی یا تمایل بزه‌کاران بوده است. دادگاه‌ها وقتی مشاهده می‌کنند که احکام قبلی به دلیل عدم امکان پرداخت توسط بزه‌کاران قابلیت اجرایی ندارد، انگیزه‌ای برای صدور چنین احکامی ندارند.

ماهیت نظام کیفری، تنبیهی است. هر چند قانون آئین دادرسی کیفری در ماده ۱۴ مقرر داشته که شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند و در تبصره یک این ماده زیان معنوی را تعریف نموده است. لیکن با بررسی آرای محاکم کیفری و نظامی ایران، جبرانی که بزه دیده دریافت می‌کند، شکل محدودی دارد، زیرا جبران مادی است و آرای مربوط به جبران خسارت‌های معنوی بسیار نادر است و به عنوان نمونه در پرونده موسوم به هموفیلی‌ها برای اولین بار چنین حکمی صادر شد.

مشکل دیگر مربوط به حالت روحی و روانی بزه‌کار است. از دیدگاه بزه‌کاران این گونه احکام نه تنها موجب تقویت احساس مسئولیت در بزه‌کار نمی‌شود، بلکه او را در موضع دشمنی دوباره با بزه دیده نیز قرار می‌دهد حتی در صورت محکومیت بالطایف الحیل سعی در عدم پرداخت خسارت به بزه دیده دارد.

برای مثال در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مقررات سخت گیرانه ای در این خصوص وضع شده است. نکته قابل توجه آن است که مقررات این ماده در دادرسی نظامی نیز به کار گرفته می‌شود. به موجب ماده ۶۹۶ این قانون: «در کلیه مواردی که محکوم علیه علاوه بر محکومیت کیفری به رد عین یا مثل مال یا ادای قیمت یا پرداخت دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم محکوم شده باشد و از اجرای حکم امتناع نماید، در صورت تقاضای محکوم له دادگاه با فروش اموال محکوم علیه به جز مستثنیات دین حکم را اجرا یا تا استیفاء حقوق محکوم له، محکوم علیه را بازداشت خواهد نمود.»

به موجب این ماده محکوم علیه تا زمان پرداخت یا صدور حکم اعسار یا تقسیط محکوم به در زندان خواهد ماند که این قانون بسیار سخت گیرانه است. قانون دیگری نیز در این ارتباط به تصویب رسید که حتی امکان بازداشت در موضوعات حقوقی را

اجرای سیستم عدالت ترمیمی در دادرسی نظامی ایران و مطالعه تطبیقی با حقوق انگلستان... ۳۴۱

پیش بینی کرده است. ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۳ مقرر می‌دارد: «هر کس به موجب حکم دادگاه به دادن هر نوع مالی به دیگری محکوم شود و از اجرای حکم خودداری ورزد...» ممکن است محکومیت ناشی از یک محکومیت مدنی باشد.

- جبران خسارت از طریق دولت

تلاش برای جبران مستقیم خسارت قربانی ناشی از جرم از طریق دولت در کشور انگلستان، به دهه ۱۹۶۰ بر می‌گردد. نقش و مسئولیت دولت برای جبران خسارت قربانی با توجه به این واقعیت که جرم در اثر ناتوانی نظام عدالت کیفری در تأمین امنیت از قربانی با توجه به این واقعیت که جرم در اثر ناتوانی نظام عدالت کیفری در تأمین امنیت از قربانی واقع گردیده است، مورد اقبال و تصدیق عموم است و در بعضی موارد از سوی مقامات وزارت کشور انگلستان مورد تاکید قرار گرفته و جبران خسارت دولتی راهی برای جبران ضرر وارده به قربانی وابسته شده است (راجا،^۱ ۱۹۷۵: ۶۰۳-۶۰۵).

شیوه جبران خسارت از طریق دولت در کشور انگلستان، علیرغم قابل مناقشه بودن آن که تا کنون کم و بیش ادامه دارد، به دهه ۱۹۶۰ به برنامه داوطلبانه تحت عنوان «هیات جبران صدمات کیفری» بر می‌گردد که در سال ۱۹۶۴ تأسیس گردید که جزء اولین اقداماتی بود که در اروپا انجام گرفت. بر اساس این طرح، به کسانی که در جریان یک عمل مجرمانه آسیب و صدمه دیده بودند، خساراتی پرداخت می‌گردید. این اقدام غیر از موضوع رسیدگی‌هایی بود که در دادگاه‌ها صورت می‌گرفت، ولی دادگاه‌ها در تعیین مجازات مجرم در صورتی که از سوی این هیات خسارت قربانی پرداخت می‌گردید، آن را مورد محاسبه قرار داده و قربانی نمی‌توانست دوباره خسارتی از طریق دادگاه مطالبه نماید. برنامه جبران خسارت ۱۹۶۴ از آن جهت دارای اهمیت است که از آن زمان، دولت مسئولیت ایراد صدمات وارده به شهروندان در حوزه‌های زندگی اجتماعی را متقبل می‌شود.^۱ به گفته هاریس: «این اقدام گامی به جلو بر قدرت سیاسی قربانی جرم است و چنین برنامه‌هایی می‌تواند به شکل یک اقدام نمادین در مورد

^۱-- Rejda

۳۴۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

نگرانی دولت در مورد قربانیان جرم باشد. این برنامه اجازه می‌دهد که دولت بعضی از مسئولیت‌های مربوط به صدمات وارده به شهروندان را بپذیرد» (هاریس^۱، ۱۹۹۲: ۶۰).

«قوانین کشور انگلستان نشان می‌دهد تا سال ۱۹۹۸ از سوی قانونگذار طراحی قانونی در این کشور ارائه و ایجاد نگردیده بود. تنها از سال ۱۹۸۸ است که برنامه قانونی برای جبران خسارت قربانی جرم در این کشور بر اساس قانون عدالت کیفری ۱۹۸۸^۲ در قالب مواد ۱۱۸-۱۰۷ پدیدار می‌گردد. در قانون مذکور آمده است که هیات جبران خسارت، مجری برنامه پرداخت خسارت برای صدمات جزایی و مسئول تعیین ادعاهایی است که در این خصوص مطرح می‌گردد (سبزواری نژاد، ۱۳۹۲، ۱۱۵)

در قوانین موضوعه ایران مشاهده نمی‌شود دولت تکلیفی به جبران خسارت وارده به قربانی جرم ناشی از حضور وی در دادرسی‌های کیفری است که به عنوان شاهد حضور پیدا کند لیکن مواردی در قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) مشاهده می‌شود که به تشخیص بازپرسی شاکی توانایی پرداخت هزینه را نداشته باشد یا احضار از طرف بازپرس باشد، هزینه‌ها از محل اعتبارات مصوب قوه قضائیه پرداخت می‌شود که می‌توان به ماده ۲۱۵ از قانون یاد شده اشاره نمود.

امروزه هیات‌های جبران خسارت صدمات جزایی بر اساس مجموعه رویه‌ها (قواعد) قربانیان جرم سال ۲۰۰۵^۳ موظف‌اند که کلیه اطلاعات راجع به صدمات وارده به قربانی جرم را مورد توجه قرار داده و ظرف بیست روز از تاریخ وصول درخواست‌ها به آن‌ها پاسخ دهد. در صورتی که تصمیم این مقام آن باشد که خسارتی به قربانی پرداخت نگردد یا کمتر از آن پرداخت نماید، می‌بایست توضیحات لازم و علل آن را به قربانی اعلام دارد. چنانچه این هیات نتواند ظرف ۱۲ ماه در مورد جبران خسارت قربانی جرم تصمیم‌گیری نماید، باید به وی اعلام دارد که ادعای وی، در چه وضعیتی است و از آن جایی که تصمیمات این مقام قابل تجدیدنظر در مرجع مافوق خود است باید کلیه حقوق مربوط به درخواست تجدیدنظر به اطلاع آن‌ها رسانده شود. در صورت درخواست تجدیدنظر، مقام مذکور باید درخواست وی را منصفانه و به طور اساسی و عمیق و بر اساس اطلاعات ارائه شده، مورد بررسی قرار دهد. در همین راستا است که باید رونوشت کلیه مدارک و اسناد مربوط به پرونده به آن‌ها ارائه گردد. در

^۱ - Harrus

^۲ Criminal Justice Act ۱۹۸۸ (sections ۱۰۷-۱۱۸)

^۳ The code of practice for victims of crime

اجرای سیستم عدالت ترمیمی در دادرسی نظامی ایران و مطالعه تطبیقی با حقوق انگلستان... ۳۴۳

زمان تجدیدنظرخواهی، مرجع تجدیدنظر نیز باید کلیه اطلاعات مورد نیاز را در این مرحله به قربانی جرم ارائه نمایند و از مراحل رسیدگی، آن‌ها را آگاه و راهنمایی لازم را به آنان ارائه دهند. بالاخره این که مرجع تجدیدنظر، باید اطمینان دهند که کلیه اطلاعات در خصوص درخواست قربانی جرم برای وی قابل دسترس خواهد بود (سبزواری نژاد، ۱۳۹۲، ۱۱۵)

قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، قانون خاص در حقوق جزای ماهوی است. در دادرسی‌ها و دادگاه‌های نظامی این قانون، اصلی محسوب می‌گردد و برابر ماده ۲ این قانون دادگاه نظامی مکلف است در مواردی که مجازات جرمی در این قانون ذکر شده است به استناد این قانون حکم صادر نماید. اعمال تخفیف و تبدیل نیز به موجب همین قانون خواهد بود. و برابر تبصره این ماده در مواردی که مجازات جرمی در این قانون ذکر نشده باشد چنانچه رسیدگی به آن جرم در صلاحیت دادگاه نظامی باشد، دادگاه نظامی طبق قانون مربوط به آن جرم، تعیین کیفر می‌نماید و اعمال تخفیف و تبدیل نیز به موجب همان قانون خواهد بود.

با بررسی مواد قانونی این قانون فرض اولیه، جبران خسارت بر عهده مجرم است. ماده ۴۷۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) مقرر می‌دارد: «هر گاه مأموری در اجرای وظایف قانونی، عملی را مطابق مقررات انجام دهد و همان عمل موجب فوت یا صدمه بدنی کسی شود، دیه بر عهده بیت المال است.»

موضوع جدید قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) پرداخت خسارت ایام بازداشت از ناحیه دولت است. بر اساس ماده ۲۵۵ این قانون: «اشخاص که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم براءت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می‌تواند با رعایت ماده (۱۴) این قانون ذکر شده، شاکمی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.

ماده ۴۷۵ از قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) مقرر می‌دارد: «در جنایت خطای محض در مواردی که پرداخت دیه بر عهده مرتکب است اگر به علت مرگ یا فرار، دسترسی به او ممکن نباشد، دیه جنایت از اموال او پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد، دیه از بیت المال پرداخت می‌شود.»

«جبران خسارت قانونی جرم توسط دولت، به علت داشتن هزینه‌های فوق العاده از یک طرف و ناتوانی دولت‌ها و عدم قدرت نظارت برای اجرای آن‌ها، بدون جبران

۳۴۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

ماندن برخی از صدمات و خسارت وارده به قربانی و بهره برداری‌های سیاسی و حزبی در جهت جلب آرای عمومی و فروکشی آن پس از رقابت‌های سیاسی از طرف دیگر، از جمله نارسایی‌هایی است که برنامه مذکور را با مشکلاتی روبه‌رو نموده است و نتوانسته در انگلستان اهداف اولیه را محقق سازد در انگلستان سیاستی محدود کننده برای استفاده از چنین اقداماتی حاکم است. هر چند که برنامه هیات جبران خسارت صدمات جزایی ۱۹۶۴ کلیه صدمات ناشی از خشونت و حمله به قربانی جرم را در برمی‌گرفت و کلیه افراد از هر ملیتی را در انگلستان شامل می‌شد و در قانون عدالت کیفری ۱۹۸۸ موارد پرداخت آن، گسترش یافت، اما هزینه‌های فراینده آن، منجر به تصویب مقرراتی محدود کننده از طریق تصویب مقرراتی محدود کننده از طریق قانون اصلاح جبران خسارت صدمات جزایی ۱۹۹۵ گردید که نسبت به موارد شمول افراد موضوع برنامه قبلی، دچار محدودیت‌هایی گشت. در این مقررات، ضمن تعریف افراد شمول استفاده از این پرداخت‌ها، در صورتی که قربانی در ارتکاب جرم علیه وی، قابل سرزنش تشخیص داده شود، میزان پرداخت جبران خسارت کاهش یا از پرداخت آن خودداری شود. در همین جهت در مواد ۱ و ۲ این قانون، بستگانی که می‌توانند از دریافت این گونه خسارت‌ها بهره‌مند شوند را محدود و کلمه بستگان و عضو خانواده را منحصر به افراد خاصی از خانواده نموده و به سایر بستگان قربانی جرم تسری پیدا نمی‌کند.

در ایران وضعیت پرداخت خسارات قربانی جرم توسط دولت، بهتر از انگلستان نبوده، تطویل در پرداخت و عدم اختصاص بودجه از سوی دولت و مشکلات اداری و قضایی آن و عدم آگاهی قربانیان از وجود چنین منابع مزید بر این گردیده که نتوان آن را منبع قابل ارتکابی برای جبران خسارت محسوب نمود.» (سبزواری نژاد، ۱۳۹۲، ۱۱۷)

«در انگلستان جبران خسارت، قبل از محکومیت و بعد از محکومیت و قبل از تعیین مجازات و پس از تعیین مجازات از سوی مجرم قابل پرداخت می‌باشد. عموماً پرداخت خسارت به قربانی جرم قبل از مرحله دادرسی، به عنوان عامل مخففه‌ای در تعیین مجازات خواهد بود. چرا که پرداخت خسارت، نوعی احساس پشیمانی و ندامت مجرم است.

در مواردی که مجرم اظهار می‌دارد که می‌تواند اقدام به جبران خسارت قربانی نماید، دادگاه می‌تواند تا ۶ ماه تعیین مجازات او را به تأخیر اندازد.

نتیجه گیری

امروزه شاهد تحولی شگرف در مفهوم امنیت انسانی هستیم. ناامنی و افزایش فعالیت‌های مجرمانه منجر به تغییر در مفهوم امنیت انسانی شده است. این مفهوم شامل وضعیتی است که در آن افراد بشر از آسیب‌های جسمی، روحی و روانی، ترس و اضطراب، ناامنی و تهدید زندگی مصون نگه داشته شوند. به عبارت دیگر امنیت انسانی شامل حراست از هسته حیاتی همه افراد بشر در برابر تهدیداتی است که رشد و بالندگی و شکوفایی استعدادهای شهروندان را در معرض مخاطره قرار می‌دهد. تهدیدات علیه امنیت انسانی به دو دسته تهدیدات طبیعی و تهدیدات ساخته دست خود بشر می‌باشد که جرم و جنایت از مهم‌ترین نوع تهدیدات ساخته خود انسان‌ها می‌باشد. وظیفه نیروی انتظامی به عنوان ضابطین عام دادگستری در جامعه مقابله و مبارزه با این نوع تهدیدات است. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران نیز در راستای انجام مأموریت‌های خود و برقراری نظم و امنیت و آسایش عمومی، مقابله با جرم و ناامنی در سطح جامعه و مبارزه با مجرمان و برهم زندگان آسایش عمومی و امنیت انسانی را وجهه همت خود قرار داده است.

عدالت ترمیمی تفکری جدید در امور کیفری می‌باشد که به ترمیم پیامدهای ناشی از جرم و جبران خسارت‌های وارده به بزه دیده تمرکز دارد. عدالت ترمیمی نقش دولت را در امر قضایی کم رنگ می‌کند و بیشتر به رابطه بزه دیده و بزه‌کار می‌نگرد. با اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی می‌توان به راحتی و قبل از اجرای حکم دادگاه، خسارت‌های زیان دیده و یا افراد دیگر را جبران کرد و بار مسئولیت بزه‌کار را کاهش داد. عدالت ترمیمی با دعوت بزه دیده و بزه‌کار و اطرافیان و خانواده آن‌ها سعی در ترمیم خسارات بزه دیده و اعاده وضع به حالت سابق و سپس پیشگیری از جرم را دارد. هر چند عدالت ترمیمی تمرکز بیشتری به بزه دیده دارد، اما باید این مطلب را در ذهن داشت که عدالت ترمیمی بزه دیده را در مضمون وسیع مورد لحاظ قرار داده است. به نحوی که جامعه محلی را که به دنبال وقوع جرم دچار تنش شده را نوعی بزه دیده محسوب می‌کند. عدالت ترمیمی به بزه‌کار فرصتی می‌دهد که با بزه‌دیده گفتگو کند و بزه‌دیده با برون ریزی مشکلات خود و آسیب‌هایی که دیده و بیان اوضاع و احوال که ناشی از وقوع حادثه بوده را بیان می‌کند تا پیش از ورود به دادگاه، بدین وسیله بزه‌کار احساس ندامت کند و بدین ترتیب داوطلبانه تعهد خود نسبت به ترمیم خسارت‌های وارده به

۳۴۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۶

بزه دیده را بپذیرد و همین امر مسئولیت مدنی ضابطین را می‌تواند کاهش یا خاتمه دهد. علی‌ایحال در این بین یک موضوع مهم نادیده گرفته می‌شود و آن این است که دولت از چرخه سیاست قضائی حذف می‌شود و این حذف شدن ریسک بزرگی می‌باشد. اگر قرار بر این باشد که هر شخصی که مرتکب جرمی شد، با صلح و آشتی از مجازات فرار کند و صرفاً به پرداخت خسارت تن دهد، صیانت جامعه زیر سؤال می‌رود و این مطلب که یک جرم به وقوع پیوسته را نمی‌توان فراموش کرد و باید این مطلب را قبول کرد که تا جایگزینی کامل عدالت ترمیمی به جای عدالت کیفری کلاسیک فاصله زیادی وجود دارد. عدالت ترمیمی فرآیندهای غیر رسمی رسیدگی به اختلافات ناشی از جرم را به عنوان بدیل فرآیندهای رسمی و دولتی مطرح کرده است و از این ظرفیت‌های موجود و از ظرفیت‌های موجود در فرهنگ عامه‌ی شبه حقوقی یا روش‌های بومی (محلی) شبه قضائی جوامع، برای تسهیل سازش و مصالحه میان اطراف جرم و ترمیم خسارت‌ها و آسیب‌های بزه دیدگان استفاده می‌کند.

عدالت ترمیمی که در واقع به منظور جبران خسارات و تسکین الام بزه دیدگان ایجاد گردیده است از هنگام وقوع جرم در زمان‌ها و شرایط مختلفی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد آنچه که در این میان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است آگاهی و استفاده صحیح از روش‌های عدالت ترمیمی با توجه به شرایط و وضعیت بزه کار و بزه‌دیده می‌باشد، زیرا استفاده صحیح و درست از این نوع عدالت ضمن اینکه باعث آگاهی بزه‌کار از وضعیت به وجود آمده و پاسخ گو نمودن وی می‌شود موجب حمایت از بزه دیده و تسریع در جبران خسارت‌های وی می‌گردد.

بنابراین می‌توان گفت، اهمیت توجه و اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی روز به روز در جهان کنونی آشکارتر می‌شود پرداختن و اجرای این برنامه‌ها به ویژه در کشور ما که با چالش تراکم پرونده‌های قضایی در دادگاه‌ها مواجه است اهمیت و شکل موثری به خود می‌گیرد، زیرا با ورود به برخی پرونده‌های قابل گذشت و اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی به ویژه قدیمی‌ترین شکل آن (میانجیگری) که به نظر می‌رسد با شرایط فرهنگی و اجتماعی کشور ما نیز سازگارتر می‌باشد به طرق مختلف موجبات کمک به دستگاه قضایی ایجاد می‌گردد، مهم‌ترین سازمان در این راستا نیروی انتظامی می‌باشد.

اجرای سیستم عدالت ترمیمی در دادرسی نظامی ایران و مطالعه تطبیقی با حقوق انگلستان... ۳۴۷

منابع

۱. رهامی، محسن (۱۳۸۵)، زمینه‌های عدالت ترمیمی در حقوق کیفری ایران، مجله حقوقی دانشگاه تهران، شماره ۷۴.
۲. سماواتی پیروز، امیر (۱۳۸۵)، عدالت ترمیمی، انتشارات نگاه بینه، تهران.
۳. سمیعی، حسین و نقدی نژاد، مجتبی (۱۳۸۹)، عدالت ترمیمی، شرم و بخشش، فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۶.
۴. شیری، عباس (۱۳۹۶)، عدالت ترمیمی، نشر میزان، تهران.
۵. صفاری، علی (۱۳۹۶)، مبانی کیفر شناسی، نشر جنگل، تهران.
۶. عباسی، مصطفی (۱۳۸۲)، انفعال نوین عدالت ترمیمی در میانجیگری کیفری، انتشارات دانشور، تهران.
۷. غلامی، حسین (۱۳۹۰)، عدالت ترمیمی، انتشارات سمت، تهران.
۸. سبزواری نژاد، رضا (۱۳۹۲)، جایگاه شورای حل اختلاف در نظام عدالت کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.